مبلمان شهری آرمانی و سیر روح انسان‌ها به سوی عبودیت

شماره پرسش: ۵۳۰۷

تاریخ ارسال پرسش: ۰۵:۰۰:۰۰ ۱۳۹۲/۵/۷

متن پرسش

سلام استاد طاهرزاده. این نامه ویژه مطلبی خاص است و فوق العاده مهم است. این موضوع که می نویسم سال ها با شدت ضعف متفاوت درگیرش بوده ام.لطفا جواب را به ایمیل بدهید. جوانی هستم ۲۲ سال اهل مشهد. عاشق رهبری هستم.تا آن جا که یادم هست با جان و دل به احمدی نژاد رای دادم و فکر کنم دعا می کردم روزی مثل ایشان شوم. - احمدی نژاد منهای آقای مشایی ای که برایم مجهول است - .چند وقتی است با آثاری از شما آشنا شده ام. و از غربی نگری متنفرم از فرزند تفکر غربی بودن و از همه مهمتر عمل به آن چه تفکر غربی می گوید.از اوایل دانشگاه دغدغه دینی کارکردن داشتم.رشته ی من مهندسی شهرسازی است - رشته ی من همان است که کاربری می دهد،تراکم تعیین می کند،خیابان می کشد،مبلمان شهری می کند و .. - و اگر خدا بخواهد از مهر همین امسال شاید ارشد در رشته ی برنامه ریزی شهری یا برنامه ریزی منطقه ای قبول شوم.براساس گفته ی چند نفر و شناخت برخی اطرافیانم در این رشته از محتوای خوبی برخوردار شده ام و درس نسبتا خیلی خوب بوده . خودم فکر می کنم تا حد خیلی خوبی به مباحث رشته ی خود آشنایی دارم و همین الان در این رشته و مجلات موجود به نظر می توانم با همین سطح به راحتی بسیاری مقاله بنویسم(البته با کمک اساتید و مقالات چند نفره).در تحلیل و فهم نظریات قدرت خوبی دارم. اما با این تفاصیل پی بردم البته پی بردنش خیلی راحت است - که شهرسازی کشور ما تقریبا (یا دقیق ترش شاید این باشد: تماما) حاصل شهرسازی آمریکایی و انگلیسی و شاید غیره است.طرح های جامع شهری اساسا امریکایی و انگلیسی است و الان نگرش راهبردی که در رشته های مختلف شناخته شده است هم غربی است.(هر چند به نظر می رسد این نگرش ویژگی های مثبت زیادی دارد).اصلا رویکردهای ساماندهی و توسعه ی شهری جدید از انجمن نوشهرسازی آمریکا است مثل:رویکرد توسعه ی حمل و نقل محور(TOD) و دهکده های شهری(URBAN VILLAGE) و ... . اما شاید تاسف آورتر این است که در فضای مقالات ما هم مشاهده می شود که پس از توضیح این رویکرها کاربردی کردن آن ها مطرح است فرض کنید در مقاله مثلا این مطرح بشود که در شهر اصفهان در کنار کدام ایستگاه مترو مرکز TOD می توان زد. اصلا به شخصه من یکی ندیدم تی او دی در ایران با نقد مواجه شده باشد.انگار در شهرسازی ما، ما دربست در اختیار غربیم، دربست. البته شاید تی او دی درست باشد ولی مهم این است که بفهمیم درست است یا نه،اگر درست است چقدر درست است... اما تلاش هایی در خصوص شهرسازی اسلامی ایرانی شده است ولی به نظر آنقدر ضعیف که استاد ما در پاسخ به سوالی می گفت برخی می گویند شهرسازی اسلامی ایرانی و برخی می گویند ایرانی اسلامی ،البته

این می تواند از ضعف استاد ما باشد که دانشجوی دکترا هم هست.این یعنی دانشجوی دکترای شهرسازی این را هنوز تشخیص نداده که اول ایرانی بیاید یا اول اسلامی ..یعنی اینقدر این شهرسازی اسلامی ایرانی غریبه و جا نیفتاده است. شاید بتوان پدر این شهرسازی را دکتر محمد نقی زاده دانست که ایشان رجوع زیاد به قرآن دارند و در کتاب ایشان نام جناب علامه طباطبایی مطرح می شود.ایشان در کتاب مبانی نظری خود از وحدت در کثرت،زیبایی و نظم و .. سخن می گویند... و البته این گونه نیست که واقعا تلاش نبوده و جدیدا در تبریز همایش سالانه در این خصوص برگزار می شود و مقاله می گیرد و ... . ولی در عمل و توسعه ی شهری شاید ۱۰۰% غربی باشیم. جالب است بدانید که در تقریبا در همه ی شهرسازی ما اگر عکسی از فلان میدان در اروپا که مردم دور آن نشسته اند و بستنی می خورند و همه ساله در آن کارناوال فلان برگزار می شود گذاشته شود از آن به عنوان یک فضای شهری موفق نام برده خواهد شد و شهرسازان ایرانی باید این چنین فضایی را الگو قرار دهند.
حال با توصیف خیلی اجمالی از شهرسازی موجود کشور و نسبت خود با این شهرسازی، می خواهم گام بردارم و در ذیل تفکر انقلاب اسلامی ، شهرسازی اسلامی کاربردی ارائه دهم،البته من مهم نیستم یعنی می خواهم یک کاری بکنم،عذاب وجدان راحتم نمی گذارد وقتی بدانم می توانستم کاری کنم و نکردم بعد شاید بتوان گفت واقعا چگونه دعای فرج بخوانم ؟! .آخر شهر جایی است که تاثیرات جدی بر زندگی دارد اصلا در بستر همان طبیعتی است که شما می گویید باید با آن تعامل کرد،من احساس می کنم می شود از شهرسازی تا حدی بستری برای توسعه ی کاربردی فرهنگ و عقاید ایجاد کرد.
یعنی شهری ساخت در جهت زندگی بندگان خدا. نمی گویم شهر توان این دارد که بشود استاد کامل سخنگوی فلسفه ولی مسکنش که می تواند جایی برای تعالی سریع تر انسان باشد.کافی است تا با عنایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه - شهر بسازیم که اگر آرمان شهر نیست دشمن شهر هم نباشد و حداقل بعضی ویژگی های غلط را نداشته باشد،حداقل حداقل مسجدش درست مکان یابی شود...
من با شناختم از شهرسازی می گویم می شود اگر حداقل حداقل نشود دیگر حداقل حداقل حداقل حداقل که می شود.. اما من نیاز به استاد دارم،نیاز به کسی دارم که اسلامی باشد،من خودم هم در راه اسلامی بودن قدم بر می دارم ولی شاید می توان سریع تر گام برداشت، باید سریع تر گام برداشت،شهرساز شدن در چند سال آسان است اما استاد طاهرزاده شدن،احمد رهدار شدن، جناب واسطی شدن به این زودی ها مگر با عنایت ویژه از بالا،نیست.حالا من تا حدی شهرساز شدم اما نیاز دارم به استاد اسلامی ،نیاز دارم به راهنمای تمدن شناس... کسی که حداقل بگوید برو فلان کتاب را بخوان بعد ببین این وحدت در کثرت که آقای نقی زاده مطرح می کنند کیفیتش چگونه است،اصلا تفکر آقای نقی زاده چقدر درست است و ... . کسی که بگوید فلان کار را در شهرسازی موجود بکنی عیبی ندارد الان خوب است.. به این راحتی ها دغدغه ام را کنار نمی گذارم، باور کنید می شود در این زمینه کار کرد.البته نمی خواهم آویزان شوم فقط حداقل به اندازه ی جوانی که سوال از ازدواج و عشقش به دختری دارد و با چشم گریان و دلی طوفان زده جلوی شما در خیابان ظاهر می شود کمکم

کنید کافی است. حالا می خواهم یک نقشه ی راه اولیه بگیرم، مثل اینکه بگویید چه کتاب هایی را بخوانم،یا در مشهد به کدام جلسه مراجعه کنم، یا فوق العاده است که وقتی به من بدهید با کتاب های شهرسازی ام یکی دو جلسه یک ساعته به دیدارتان بیایم، طی الارض بلد نیستم ولی با همین ماشین غربی خودم را از مشهد می رسانم!. نمی دانم چگونه سخن بگویم که بدانید من بچه پر رو نیستم فقط کمک می خواهم... . اگر فکر می کردم در این زمینه نمی توانم کاری کنم جلو نمی آمدم... اگر نیاز به توضیح بیشتر است لطفا بفرمایید مطالب تکمیلی بفرستم. ببخشید مطلب طولانی بود.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همین طور که می‌فرمایید می‌توان شهری ساخت که بستر زندگی را به سوی خداخواهی سوق دهد که اگر آرمان‌شهر نیست لا اقل جایگزینی‌های کاذب ایجاد نکند که انسان احساس کند خداخواهی‌اش به حاشیه رفته. اگر به طرز زیبایی ذهن‌ها به جای تصور حضور در پارک، تصور حضور در مسجد را داشته باشند و در تصور حضور در مسجد گم‌شده‌هایی را مدّ نظر بگیرد که حضور در پارک حجاب آن گمشده‌های معنوی باشد، چقدر جهت‌گیری انسان‌ها در زندگی شهری عوض می‌شود. بنده به‌خوبی خلأ وجود چنین شهری را احساس می‌کنم و می‌دانم نتوانسته‌ایم به مردم بفهمانیم مبلمان شهری وقتی براساس نگاه غربی تنظیم شود ما را به ایده‌آل‌های غربی متوجه می‌کند و به‌کلی از ورود به عالم قدس و ملکوت محروم می‌کند. ولی تا کلیات موضوع در انسان‌شناسی درست تبیین نشود چه کسی می‌پذیرد مبلمان شهری چه اندازه در جهت‌گیری دینی و غیر دینی موثر است. در کتاب «تمدن‌زایی شیعه» اصولی در این مورد عرض کرده‌ام. عنایت داشته باشید کاربردی‌کردنِ موضوعات به عهده‌ی امثال جنابعالی است و نگاه کلی‌دادن در این مورد وظیفه‌ی امثال ما است. اگر با همین دغدغه، مباحثی که عرض کرده‌ام را دنبال کنید آرام‌آرام قلب شما آماده می‌شود تا اشراقی در راستای طراحی شهری در شما ایجاد شود که روح انسان‌ها در آن شهر در هوای عبودیت سیر کند. ریزه کاری‌های زیادی در میان است. نیاز نیست ریز مطالب را برای امثال بنده ارائه دهید، وقتی توانستید از یک طرف روشن کنید چگونه شهرسازی غربی حجاب رجوع به عالم قدس است و چرا نمی‌توان در یک شهر کافه تریا و پارک داشت و باز جامعه از مسجد تغذیه‌ی معنوی بکند و وقتی توانستید از طرف دیگر روشن کنید مقصد انسان‌ها در این دنیا چیست و چرا مساجد از وظیفه‌ی خود باز مانده‌اند، آرام‌آرام نقطه‌های رجوع به شهرسازی اسلامی ماوراء نگاه غربی به مسجد و پارک شروع می‌شود. چه کسی باور می‌کند این نوع شهرسازی ریشه در روحیه‌ای دارد که معتقد به حکیمانه‌بودن نظام عالم نیست و به خود حق می‌دهد هرطور خواست در عالم و آدم تصرف کند؟ موفق باشید